

نقد و بررسی مشروعیت و استحباب عزاداری امام حسین (ع) و

آسیب شناسی شبهات آن

ملیحه امیرحسینی*، نسرين کریمی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۷)

چکیده

عزاداری، مرثیه‌سرایی و سوگواری از دیرباز در میان ملت‌های مختلف جهان معمول بوده است و بخشی از ادبیات، فرهنگ، آداب و رسوم همه اقوام را به خود اختصاص می‌دهد. همواره این اعتقاد وجود داشته که عزاداری برای اهل بیت موجب احیای یاد و نام آنها و در کنار آن فرهنگ و مکتب و هدف آنان است. به عبارت دیگر در شکل یک پیوند روحی راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب و رهبران آن برقرار می‌سازد و دیگر گذشت قرون و اعصار نمی‌تواند بین آنان جدایی افکند. همین مسأله موجب نفوذ ناپذیری امت از تأثیرات و انحرافات دشمنان می‌گردد و مکتب را هم چنان سالم نگه می‌دارد. بنابراین، مراسم عزاداری از دیدگاه دینی ارتباط محکمی با عزت‌نفس دارد و به عبارت دیگر، زمینه‌های عزت‌نفس را در افراد پدید می‌آورد؛ چرا که هر کس می‌تواند عزت‌نفسش را به میزان ارزشی که برای خود قائل است، ارتقا دهد. امروزه در حوزه ی دین باورهای غلطی در خصوص عزاداری در جامعه رواج یافته که طبق این باورها قمه زنی و برخی اعمال نامتعارف مانند لطمه زدن به صورت فی حد نفسه و ماورای شرایط موجود جامعه حلال است. به عبارتی حکم اولیه آن حلیت است و اگر برخی از مراجع آن را تحریم کرده‌اند، صرفاً به جهت شرایط خاص سیاسی دنیای اسلام است.

کلیدواژگان

امام حسین (ع)، عاشورا، عزاداری، فقه.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

** نویسنده مسئول: استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه

عشق و محبت به حضرت باعث شده که دوستان امام، پیش از عاشورا خود را آماده کنند و لباس سیاه بپوشند، نیز مساجد، تکایا و حسینیه‌ها را سیاهپوش کنند. عزاداری برای اباعبدالله (ع) عزاداری معمولی نیست؛ بلکه تبدیل به فرهنگ فراگیر شده است. وقتی تبدیل به فرهنگ شد، دیگر زمان و مکان نمی‌شناسد، از این رو تا نسیم محرم به مشام جان می‌وزد، پوشیدن لباس عزا و سیاهپوش کردن کوچه و خیابان‌ها و مساجد و تکیه‌ها شروع می‌شود. البته بعد از عاشورا و حتی تا ماه صفر و در غیر محرم نیز عزاداری در فرصت‌های مناسب برگزار می‌شود، شیعیان به دستور اولیای دین مخصوصاً به دستور امامان بعد از امام حسین (ع) برای زنده نگه داشتن اهداف امام و فرهنگ عاشورا تلاش و کوشش می‌کنند.

عزاداری برای اهل بیت موجب احیای یاد و نام آنها و در کنار آن فرهنگ و مکتب و هدف آنان است. به عبارت دیگر در شکل یک پیوند روحی راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب و رهبران آن برقرار می‌سازد و دیگر گذشت قرون و اعصار نمی‌تواند بین آنان جدایی افکند. همین مسأله موجب نفوذ ناپذیری امت از تأثیرات و انحرافات دشمنان می‌گردد و مکتب را هم چنان سالم نگه می‌دارد و یا تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می‌رساند. از همین روست که استعمارگران برای نابودی ملل اسلامی می‌کوشند رابطه آنان را با تاریخ پر افتخار صدر اسلامی قطع نمایند تا با ایجاد این خلاء زمینه القای فرهنگ خود را فراهم آورند. اینها از آثار اجتماعی عزاداری است و آثار روانی و تربیتی دیگری نیز دارد. نقش عزاداری در حفظ فرهنگ عاشورا مهم است و آثار و برکات خوبی برای بشر داشته و خواهد داشت. افزون بر این، کاروان امام حسین روز دوم محرم سال ۶۱ هجری وارد کربلا شد، پس از آن سپاه کوفیان به تدریج وارد شدند و عزا و مصیبت‌خاندان اهل بیت (ع) از همان زمان آغاز شد. روز نهم (تاسوعا) کاروان امام را محاصره کامل کرده، روز دهم (عاشورا) آن بزرگوار و یارانش را به شهادت رساندند. بنابراین چون اصل گرفتاری حضرت از دهه اول محرم آغاز شده است، پیروان حضرت از اول محرم عزاداری می‌کنند. عزاداری از ابتدای محرم سابقه تاریخی دارد. آغاز عزاداری

در دهه اول محرم آن هم به صورت فراگیر همانند عزاداری امروزه را می‌توان از عصر معزالدوله دیلمی از سلسله آل بویه دانست. مسأله عزاداری و مسأله عزاداری امام حسین (ع) به خصوص، از همان آغاز پدیدار شدن انسان همراه انسان بوده و یک موضوع فطری و طبیعی است، و کم کم به صورت یک فرهنگ درآمده، نهایت این که فرهنگ‌ها گاهی ارزشی و گاهی ضد ارزشی است، بر همین اساس فرهنگ عزاداری نیز گوناگون است، و در مورد فرهنگ عزاداری امام حسین (ع)، از آغاز بنابر این بوده که فرهنگ ارزشی باشد، و پایه و مایه برای مبارزه با طاغوت‌ها، و تثبیت امامت و حکومت عدالت خواهان و طرفداران حق گردد، فرهنگ عزاداری، با رعایت آداب صحیح و مثبت آن - با پرهیز از هرگونه دروغ و خرافات - الهام بخش ارزش‌هایی همچون، صبر، جوانمردی، شجاعت، غیرت، جهاد، دفاع، ایثار و فداکاری و... است، ولی اگر با خرافات آمیخته باشد، عزاداری منفی و معکوس می‌گردد. فرهنگ عزاداری صحیح، می‌تواند روح تعاون، و انقلاب و نهضت و شورش بر ضد طاغوت و محور برنامه‌های طاغوتی را احیاء کند، و در فکر و عمل، بر برنامه‌های باطل خط بطلان بکشد، و درخت سرمایه‌های ارزشی را شکوفا سازد.

حرمت و مذمت عزاداری مذموم در منابع اسلامی

خداوند در همه جا، نهی از منکر و بازداشتن مردم از کارهای بد را قلباً و لساناً و در هر حال و حتی الامکان، واجب فرموده است.

بزرگ‌ترین گناهان این است که انسان بدعت‌ها را ذلالتت به جای امور مستحب گرفته و یا امور مستحبی را بدعت وانمود کند. از طرفی چون شیطان و یارانش همیشه در صدد ترویج امور منکر و زشت هستند و در هر مورد راه به خصوص آن را خوب می‌شناسند، مردمان دین‌دار را نیز از راه دین، گول زده و از راه در می‌برند و این خود بهترین راه گم کردن مردم است و کمتر عبادت و سنتی هست که شیطان با وساوس خود در آن دخالت نکرده، آن را فاسد ننموده باشد (مرکز مطالعات راهبردی خیمه، ۱۳۸۸: ۳۰۹).

از جمله این امور، یکی موضوع عزاداری برای امام حسین علیه السلام است. در این مورد چون شیطان و یارانش با همه کوشش و تلاش خود نمی‌توانستند کاملاً پیروز شوند، تصمیم

گرفتند مردم را وادار کنند که در این موضوع بدعت‌ها و منهیات و اعمال شنیع بسیاری وارد نمایند. و به این طریق سود و ثواب‌های آن را از بین برده، اموری را در آن وارد کردند که نه تنها تمام مسلمانان، بلکه تمام ملل دیگر نیز آن اعمال را ننگین و زشت می‌دانند. علاوه بر زشتی، این امور اغلب از چیزهایی است که در قرآن و سایر اخبار رسماً از آنها نهی شده و به عمل کنندگان آنها وعده عذاب داده شده است. این امور نهی شده که در این عزاداری‌های فراوان اتفاق می‌افتد، از قرار زیر است:

۱. کذب و دروغ گفتن ... اخبار دروغ و نادرستی که دروغ بودنشان از روز روشن تر است، نه در کتابی نوشته شده و نه در جایی نقل گردیده است، با وجود این، شب و روز بر سر منابر و در میان مجالس بدون رادع و مانعی خوانده می‌شود و این خود به تنهایی از بزرگ‌ترین معاصی است، خصوصاً وقتی که نسبت به خدا و پیامبر (ص) و امام (ع) نیز باشد که مبطل روزه نیز می‌گردد.

۲. آزار نفس و اذیت کردن بدن که همان زدن به سر یا سینه است؛ بدتر از این، قمه زدن و «شاخ حسینی» است که در نتیجه، ریزش خون، اغلب علت ایجاد امراض و یا زخم‌های زشت ناعلاج می‌گردد و یا چون زنجیر کردن (یعنی با آن زنجیرهای نکره به پشت یا به سر و صورت کوبیدن و یا به سینه زدن) و سینه را خراشیدن و زخم کردن و غیر اینها، حرام بودن امور این امور عقلاً و نقلاً ثابت است.

یعنی حفظ نفس از ضروریات شش گانه اسلامی به شمار می‌رود، مخصوصاً که دین اسلام دین سهل و ساده است و پیغمبر فرموده: «جئتکم بالشریعه السهله السمحاء»؛ یعنی: من برای شما دین بسیار آسان و ساده آورده‌ام و رفع حرج در موارد مختلفه که در قرآن نیز می‌فرماید: ما جعل علیکم فی الدین من حرج». یعنی: ما در این امر دشواری بر شما باز نکرده‌ایم، خود این سخن را ثابت می‌کند.

۳. جیغ زدن‌ها و فریادهای بلند زنان (که غالباً در پای منابر و مجالس عزا اتفاق می‌افتد* که علاوه بر زشت بودن آن، اصلاً خود گناه و معصیت کبیره است).

۴. داد و فریاد و نعره‌های وحشیانه با صداهای منکر است ...

۵. غیر از این‌ها که شمرده شد، آنچه به نام دین، در این گونه مجالس موجب آبروریزی و هتک حرمت فوق العاده دین می‌شود و حد و مقداری نیز نمی‌توان برای آن شمرد و در هر جا، بنا بر چگونگی زندگی مادی و اقتصادی افراد، تغییر می‌کند، نیز از این دست است.

بررسی مشروعیت و عدم مشروعیت جزع و فزع در عزاداری

در زمینه اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) اختلاف نظر و افراط و تفریط‌های بسیاری به چشم می‌خورد. برخی هر عملی را که به قصد عزاداری اهل بیت (ع) انجام گیرد، مشروع می‌دانند اگرچه کوبیدن شمشیر و کاردهای بزرگ به نام قمه بر فرق سر باشد (دفتر فرهنگی فخرالائم، ۱۳ و ۱۵) در مقابل، برخی بر آنند که در عزاداری اهل بیت علیهم السلام، فقط گریه کردن جایز است و کارهای نامتعارف همانند لطمه زدن (سرزنی، سینه‌زنی و مانند آن) جایز نیست بلکه هر نوع عمل نامتعارف را از نظر حکم، با قمه زنی یکی دانسته و درباره‌ی همه‌ی آنها به یک نحو قضاوت کرده‌اند. آقای اکبرنژاد در مجله فقه اهل بیت (ع) گفته است:

حکم اولیه در مورد قمه زنی و هر نوع عمل نامتعارف در عزاداری‌ها، حرمت است (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۰۶) و وی میان انجام امور نامتعارف در عزاداری اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین (ع) و عزاداری انسان‌های معمولی فرق نگذاشته و گفته است:

حتی در عزای امام حسین (ع) نیز نباید اعمال منافی با متانت انجام داد و صرف اینکه زنان حاضر در کربلا اقدام به لطم و امثال آن کردند، دلیل بر جواز نمی‌شود. و نیز گفته است:

در هیچ یک از فرمایش معصومین (ع) پیرامون فضیلت عزاداری بر امام حسین (ع) به امری غیر از گریه کردن توصیه نشده است اگر روایاتی که در ثواب و پاداش تعزیه بر سالار شهیدان وارد شده است مطالعه شود، هیچ توصیه غیر از گریستن و زیارت کردن قبر مطهرشان دیده نخواهد شد (همان: ۱۹۵ و ۲۰۵).

بررسی مشروعیت و عدم مشروعیت لطمه به خود از جمله قمه زنی در عزاداری

دلایل حرمت قمه‌زنی

از منابع فقه، جواز قمه‌زنی، تا چه رسد به استحباب آن، در مراسم عزاداری امام حسین (ع) استفاده نمی‌شود زیرا چنان که پیش از این بررسی کردیم، ادله‌ی جواز اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت علیهم السلام، منحصر در دو دسته روایت می‌باشند. در یک دسته عنوان جزع و در دسته دیگر عنوان لطم و شقّ به کار رفته است. قمه زنی شامل هیچ یک از عناوین جزع، لطم و شقّ به کار رفته است. قمه زنی شامل هیچ یک از عناوین جزع، لطم و شق نمی‌شود. زیرا همان گونه که در تعریف مفاهیم گفته‌ایم، جزع به معنای بی صبری و بی تابی شامل اموری همانند صدا به اوایلا و شیون بلند کردن، لطمه زدن به صورت و سینه و مانند آن است و شامل کوبیدن یک شیء خارجی همانند شمشیر بر فرق خود نمی‌شود و نیز لطمه به معنای زدن کف دست به صورت و سایر اعضای بدن کوبیدن یک شیء خارجی همانند شمشیر بر فرق خود نمی‌شود و نیز لطمه به معنای زدن کف دست به صورت و سایر اعضای بدن است و شامل کوبیدن شمشیر بر فرق نمی‌شود. چنان که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «قمه زنی، سنتی جعلی و از اموری است که مربوط به دین نیست ... قطعاً یک خلاف و بدعت است.» (دفتر فرهنگی فخرالائم، ۱۳۸۶: ۷۳). و نیز گفته است: «قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی، از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه (ع) و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم (ع) در مورد آن نرسیده است؛ در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود. بنابراین در هیچ حالی جایز نیست». آیت الله شیخ جواد تبریزی، دخول قمه‌زنی را در عنوان جزع مورد تردید قرار داده است (همان، ۶۰ و ۶۱). آیت الله مکارم شیرازی نیز قمه‌زنی را مشمول هیچ روایتی ندانسته و چنین گفته است: «کیفیت عزاداری باید در نصوص اسلامی وارد شده باشد و این گونه کارها (قمه‌زنی) مسلماً نه منصوص است و نه مصداق عزاداری در عرف عقلا و اهل شرع.» (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۳۰) بنابراین قمه‌زنی نه در نصوص وارد شده و نه مشمول عمومات و اطلاقات ادله زنی باشد و نه مصداق عزاداری و در عرف عقلا است و پس دلیلی بر جواز آن نداریم.

وهن مذهب و هتک حرمت عزاداری

کوبیدن شمشیر و کاردهای بزرگ بر فرق خود، در مراسم عزاداری امام حسین (ع) موجب می‌شود که دین مقدس اسلام و مذهب شیعه در جهان، بی منطق قلمداد شده و عنوان خرافاتی به آن داده شود و در نتیجه باعث هتک حرمت عزاداری و تمسخر و توهین به دین و مذهب می‌گردد. پس اجتناب از آن لازم است. زیرا قمه‌زنی از اصول یا فروع دین یا مذهب نیست و نیز در نصوص اسلامی وارد نشده بلکه یک امر ابداعی است که نماد وهن شیعه قرار گرفته و موجب سوء استفاده دشمنان و مخدوش شدن چهره تشیع گردیده است.

مسلمانان در برابر پیامبر (ص) جمله‌ای را به کار می‌بردند که بهانه‌ای برای تمسخر آنها از سوی یهودیان شده بود. خداوند متعال در قرآن کریم به طور صریح امر فرموده که مسلمانان از به کار بردن آن جمله اجتناب نمایند: «یا ایها الذین آمنوا لا تقولوا راعنا و قولوا انظرنا» ای افراد با ایمان! نگوید: «راعنا» بلکه بگوید: «انظرنا» (بقره، ۱۰۴).

زیرا کلمه «راعنا» هم به معنای «ما را مهلت بده» یا «ما را مراعات کن» می‌باشد و هم به معنای «ما را تحقیق کن» از این رو این کلمه، شبیه لطفیه تبدیل شده و وسیله تمسخر مسلمانان از سوی یهودیان شده بود لذا خداوند به مسلمانان دستور داده که آن کلمه را ترک کرده و به جای آن «انظرنا» بگویند و نیز خداوند متعال یکی از دلایل تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه را، گرفتن بهانه از دست دشمنان شمرده است زیرا دشمنان، مسلمانان را شماتت کرده و استقلال آنها را زیر سؤال برده و می‌گفتند: «اگر استقلال داشتید، دارای قبله مستقلی می‌بودید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۱۲۳).

خداوند با تغییر قبله، این بهانه را از دست آنها گرفته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و من حیث خرجت قول وجهک شطر المسجد الحرام ... لئلا یکون للناس علیکم حجة» «و از هر جا (و از شهر و نقطه‌ای) خارج شدی، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن ... تا مردم دلیلی بر ضد شما نداشته باشند.» (بقره، ۱۵۰).

اکنون تردیدی نیست که شکافتن سر با شمشیر و کاردهای بزرگ، بهانه به دست دشمنان اسلام

و تشیع داده و آنها با این بهانه، چنان تبلیغی بر ضد مکتب استدلالی و نجات‌بخشی شیعه به راه می‌اندازند و چنان احساسات مخاطبان را تحریک می‌کنند که فرصتی برای اندیشیدن برای آنها باقی نمی‌ماند و بدین ترتیب مکتب تشیع را خرافی و بی‌منطق نشان داده و شیعیان را انسان‌های متوحش و خشونت‌طلب معرفی می‌کنند.

آیت الله مکارم شیرازی گفته است: از هر کاری که بهانه به دست دشمنان می‌دهد، بپرهیزید و نیز از اعمالی مانند قمه‌زدن اجتناب جوید زیرا این اعمال دست‌آویزی به دست دشمنان خواهد داد تا کل این مراسم عظیم و سازنده را زیر سؤال برند. قمه را باید بر سر دشمن کوبید نه بر سر دوست.

اضرار به نفس

شکافتن سیر با شمشیر و کاردهای بزرگ و جاری ساختن خون از آن، ضرر قابل توجه جسمی بوده و می‌توان گفت که جنایت بر نفس شمرده می‌شود و جایز نمی‌باشد.

چنانکه آیت الله خوئی گفته است: اگر قمه‌زنی و زنجیرزنی با قلاب‌هایی فلزی که در ماه محرم انجام می‌گیرد، منجر به ضرر و زیان قابل توجهی شده ... جایز نیست.

مقام معظم رهبری نیز وارد کردن ضرر بدنی قابل توجه را جایز نمی‌دانند. معظم له در جواب استفتایی در مورد زنجیرزنی فرموده است: اگر استفاده از زنجیرهای مزبور (زنجیرهای خاردار) موجب وهن مذهب در برابر مردم باشد یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست. هر کاری که برای انسان ضرر داشته و یا باعث وهن دین و مذهب گردد، جایز نیست و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند. در برخی از ادله‌ی حرمت قمه‌زنی، همانند وهن مذهب اضرار به نفس، بعضی از انواع زنجیرزنی را نیز شامل می‌شود. زنجیرهایی که ضرر قابل توجهی بر بدن وارد کرده و در افکار عمومی موجب وهن مذهب می‌شود، جایز نیست، چنان که مقام معظم رهبری در پاسخ استفتایی درباره زنجیر تیغ‌دار فرموده است. اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم باشد و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد جایز نیست. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۷۲، ۲)

بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از موسیقی پاپ در عزاداری

به نظر میرسد نوحه در سالیان اخیر دچار تغییر و تحولات بسیاری شده که این امر شائبه اعمال قدرت نرم غربی از طریق تبدیل نوحه به موسیقی پاپ را تقویت کرده است. بررسیها نشان میدهند که دو عامل بیرونی، نوحه را تهدید میکنند: ۱. استفاده از موسیقی پاپ غربی در اجرای نوحه (تغییر ریتم از ماژور به مینور) به مثابه ابزاری برای تغییر نگرش عزاداران؛ ۲. استفاده از اصطلاحات ویژه غیردینی با سبک محاورهای و کوچهبازاری برای آزادسازی عزاداری از تقیدات مذهبی. این دو عامل تا حد فراوانی نگرش جوانان را نسبت به نوحه و عزاداری تغییر داده اند. یکی از مهمترین مناسک دینی مذهب تشیع، عزاداری است که پیشینه طولانی دارد. علمای مذهبی همواره ضمن ارشاد و هدایت مردم و تلاش برای بازگویی وقایع عاشورا برای مردم در قالب وعظ و سخنرانی، از ساختار کلی تعزیه و روضه خوانی حمایت کرده و حتی الامکان مقید به حضور در این مراسم بوده اند. هرچند نوحه از زمان آغاز خود با فراز و نشیبهای فراوانی در زمینه نحوه اجرا روبه رو بوده است به منزله تم و در دورههای تاریخی گوناگون جنبه هایی از اجرای آن رواج داشته، ذکر مصیبت اهل بیت اصلی نوحه در طول تاریخ حفظ شده است. با اینکه در طول تاریخ گاهی برای افزایش تأثیر نوحه بر داده بودند، مداحان اغراقهایی را عزاداران، و با توجه به لقب قتیلالعبراتی که عزاداران به امام حسین نیز وارد نوحه میکردانند، این پدیده کمتر مورد انتقاد واقع میشد. به جرئت میتوان گفت که نخستین انتقادات رسمی از نوحه و روضه سنتی را شهید مطهری انجام داد. وی به منزله نماینده متفکران دینی جامعه، در کتاب حماسه حسینی به انتقاد از این روضه خوانی سنتی پرداخت و خواستار مقابله با افزایش چنین روندی در عزاداریها شد. از محضر مراجع معظم تقلید درباره استفاده از آلات موسیقی سوال شده که جواب آنان چنین است: «حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته: استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم بوده برگزار شود.

اصول فقهی مشروعیت عزاداری

اسلام مکتب فطرت است، مکتب فطری نمی تواند با عزاداری مخالف باشد زیرا حزن و اندوه به هنگام از دست دادن عزیزان امری است که فطرت انسانی با آن سرشته است هرگز ممکن نیست که دین جهانی گریه و اندوه را در از دست دادن عزیزان تا وقتی که موجب خشم و غضب خداوند نشده تحریم کند. پیامبر اکرم (ص) خود در عزای عزیزان می گریسته و هم دستور به گریستن می داده است.

با این دلایل تردیدی در جواز مشروعیت عزاداری باقی نمی ماند. عزاداری بر سیدالشهدا (ع) و ریشه قرآنی آن حال که مشروعیت اصل عزاداری اثبات شد می گوئیم که عزاداری بر سالار شهیدان ابی عبدالله (ع) نه تنها جایز بلکه برپایی آن یک ارزش بزرگ است زیرا:

عزاداری بر امام حسین (ع) مصداق بارز تعظیم شعائر است. شعائر به معنای علامت و نشانه است، شعائر الله یعنی نشانه های الهی، نهضت سیدالشهداء از شعائر بی تردید دین است. این نهضت بود که دین را پر آوازه کرد و تا قیامت دین و امدار سالار شهیدان است. بنابراین: عزاداری بر سیدالشهداء بزرگداشت شعائر دین است (اکبری، ۱۳۸۴: ۷۸).

قرآن تعظیم شعائر الهی را از نشانه های تقوای دل می داند «ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب؛ آن کس که شعائر الهی را بزرگ دارد، این بخشی از تقوای قلب است. مفسران در مصداق این شعائر مطالبی گفته اند: -برخی گفته اند شعائر، قربانی حج است که علامت گذاری شده باشد. برخی عقیده دارند که شعائر تمام مناسک و اعمال حج است. -برخی می گویند شعائر موضع و جایگاه اعمال و عبادات حج است. گروهی دیگر می گویند شعائر به معنای نشانه های دین و طاعت خداوند است.

استحباب و فضیلت عزاداری بر امام حسین (ع)

شناخت دلایل عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) نخستین گام در راه تأمین اهداف بلند این سنت مهم و سرنوشت ساز پیروان اهل بیت علیه السلام است؛ زیرا عزاداری بدون معرفت، نه تنها ارزشی ندارد؛ بلکه چه بسا به زیان اهداف اصلی این حرکت ارزشمند نیز باشد.

برپایه روایتی، در رهنمودهای امام علی علیه السلام به کمیل، چنین آمده است: ما من حرکه الا و انت محتاج فیها إلی معرفه. «هیچ [رفتار و] حرکتی نیست، مگر این که تو در آن، به شناخت نیازمندی»

ممکن است در پاسخ سؤال از علت و چرایی عزاداری بر امام حسین علیه السلام و یارانش، گفته شود که مطابق نص صریح و روشن قرآن، محبت خاندان پیامبر (ص)، واجب است (قل لا استلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی، شورا: آیه ۲۳).

بنابراین، می توان گفت که حکمت گریه بر امام حسین علیه السلام و اقامه ی عزا برای مصائب ایشان، اظهار ارادت به پیامبر (ص) و اهل بیت آن بزرگوار است.

بی تردید، اظهار محبت نسبت به خاندان پیامبر از طریق سوگواری برای سالار شهیدان، همان طور که اشاره شد، پسندیده و در جهت بزرگداشت شعائر الهی است؛ لیکن تأمل در روایاتی که توصیه و تأکید بر تداوم اقامه ماتم بر سید الشهداء دارند، ایجاب می کند که عزاداری برای ایشان، دلیلی بسیار فراتر از اظهار محبت به اهل بیت علیه السلام داشته باشد؛ بلکه از نگاه سید بن طاووس، اگر لزوم پیروی از فرمان قرآن و سنت نیز نبود، اظهار محبت نسبت به اهل بیت علیه السلام ایجاب می کرد که به دلیل منزلت والایی که امام حسین (ع) و یارانش به واسطه ی شهادت بدان دست یافتند، اظهار مسرت و شادمانی کنیم. وی می نویسد:

اگر نبود که پوشیدن لباس سوگواری و مصیبت، به خاطر از میان رفتن نشانه های هدایت و تأسیسات پایه های گم راهی، و تأسف بر سعادت که از دست دادیم و افسوس بر چنین شهادتی، پیروی کردن از فرمان قرآن و سنت است، ما در برابر آن نعمت بزرگ، لباس شادی و خوش حالی می پوشیدیم، و چون در بی تابی و سوگواری، خشنودی صاحب روز معاد نیز هست و نیکان در آن، غرضی دارند، ما لباس عزا پوشیدیم و همواره اشک رخیتیم و به چشم هایمان گفتیم: «همواره بگیرید» و به دل هایمان گفتیم: «همانند زنان جوان از دست داده، ماتم بگیرید.» (الملهوف، ۸۳).

حکمت شهادت امام حسین علیه السلام

اصلی ترین علت قیام و شهادت امام حسین (ع) مبارزه با نادانی است. برپایه آنچه بسیاری از منابع

معتبر، در این باره از امام صادق علیه السلام گزارش کرده‌اند، ایشان، در دعایش به درگاه خداوند می‌گوید:

و بذل مهجته فيك ليستقذ عبادك من الجهاله و خيره الضلاله (ر.ک:ملهوف، ج ۱۲، ص ۹۲ ح ۳۴۷۳) و خونس را به خاطر تو بذل کرد و تا بندگانت را از نادانی و سرگردانی گم‌راهی، بیرون آورد. همه‌ی آنچه در تبیین هدف قیام و حکمت شهادت امام حسین علیه السلام بیان شد، در تعبیر «جهل‌زدایی» خلاصه شده است. جهل‌زدایی، نه تنها هدف قیام سید الشهداء علیه السلام، بلکه هدف بعثت خاتم الانبیاء و نزول قرآن است:

«کتب أنزلته إليك لتخرج الناس من الظلمت إلى النور» (ابراهیم: آیه ۱) کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی، بیرون آوردی.

هدف از بعثت پیامبران پیشین نیز جهل‌زدایی (ر.ک: دانش‌نامه‌ی عقاید اسلامی: ج ۲، ص ۴۱ (بخش سوم / فصل سوم / نشانه‌های نادانی). بوده است: «و لقد ارسلنا موسى بأيتنا أن اخرج قومك من الظلمت إلى النور.» ما موسی را با آیات خود، فرو فرستادیم [و به او دستور دادیم] که قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور، بیرون بیاورد. بر این اساس، اصلی‌ترین کار انبیا و اولیای الهی، ریشه کن کردن بیماری جهل از جامعه است؛ زیرا تا این بیماری علاج نگردد، نمی‌توان انتظار داشت که ارزش‌های دینی بر جامعه، حاکم گردد. امام حسین علیه السلام نیز برای تحقق این آرمان بلند، خون پاک خود را در راه خدا اهدا کرد و بدین سان، اصلی‌ترین دلیل پیروان مکتب اهل بیت علیه السلام برای «زنده نگه داشتن مکتب شهادت، به وسیله‌ی عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) نیز جهل‌زدایی از جامعه‌ی اسلامی است و تا درمان کامل این بیماری خطرناک اجتماعی و استقرار حاکمیت مطلق ارزش‌های اسلامی در جهان، تداوم این مکتب، ضرورت دارد.

منزلت و جایگاه عزاداری امام حسین (ع) در سخن و سیره‌ی پیشوایان

برپایه‌ی روایات این بخش، برپا داشتن عزا برای سالار شهیدان و یارانش، مرثیه‌سرایی برای آنان و گریه بر مصائبی که بر ایشان گذشته است، به ویژه در دهه‌ی اول محرم و خصوصاً در روز عاشورا، در مورد تأکید اهل بیت علیهم السلام بوده است.

عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام در حقیقت، اظهار محبت به خاندان پیامبر (ص) است که قرآن، مودت آنها را واجب کرده است: «قل لا اسئلكم عليه اجرا إلا المودة فی القربی» (شورا، آیه ۲۳) بگو در برابر این [رسالت] مزدی از شما نمی‌خواهم، جز دوست داشتن خویشاوندان [خود] را». عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام، اظهار همدردی در بزرگ‌ترین مصائبی است که برای اهل بیت علیهم السلام و در واقع برای اسلام، پیش آمده است.

شیخ صدوق، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رحم الله شیعتنا إشیعتنا - و الله - هم المومنون! فقد - و الله - شركونا فی المصیبة بطول الحزن و الحسرة. خداوند، شیعیان ما را حمت کند! آنان - به خدا سوگند - حقیقتاً مؤمن‌اند. به خدا سوگند، آنان در اندوه و حسرتی مداوم، در عزای ما سهیم‌اند. و در روایت دیگری، از ایشان نقل شده که فرمود: و ارحم تلك الأعین التي جرت دموسعها رحمه لنا، و ارحم تلك القلوب التي جزعت و احتزقت لنا، و ارحم الصرخة التي كانت لنا (ابوالحسنی، ۱۳۷۵: ۲۱۳). و بر آن چشم‌هایی که از سر دلسوزی بر ما اشک‌هایشان روان شده، رحم کن، و بر آن دل‌هایی که برای ما بی‌تاب شده و آتش گرفته‌اند، رحم نما، و بر شیون‌هایی که برای ما بلند گردیدند، رحم آور.

عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام، یکی از بزرگ‌ترین مصادیق بزرگداشت شعائر الهی و نشانه‌ی پروامندی دل‌هاست.

یقیناً یکی از مهم‌ترین امتیازات جامعه‌ی شیعه، برخورداری از چشمه‌ی پرفیض نورانیت و معنویت عاشوراست. این چشمه‌ی جوشان، از نخستین روزی که موضوع یادکرد مصیبت سید الشهداء علیه السلام و یارانش مطرح شد، جریان یافت و تا امروز، همچنان جاری است و پس از این هم ادامه خواهد داشت. امامان اهل بیت علیهم السلام جز تأکیدهای مستقیم قولی، به گونه‌های دیگری نیز بر اهمیت عزاداری برای امام حسین علیه السلام و زنده نگه داشتن آن، تأکید داشته‌اند که به مواردی اشاره می‌گردد:

مرثیه سرایان سید الشهداء (علیه السلام) پیش از واقعه کربلا

برپایه روایاتی که در فصل چهارم این بخش می‌آید، نخستین کسی که قبل از واقعه‌ی کربلا برای

سید الشهداء (علیه السلام) مرثیه سرایی کرده، خداوند متعال است که آدم ابو البشر علیه السلام، ابراهیم خلیل (علیه السلام) و خاتم انبیاء علیه السلام را از مصائبی که برای حسین علیه السلام پیش خواهد آمد، آگاه فرموده است، و آنان، بر این مصیبت، گریسته‌اند. همچنین عیسی علیه السلام، هنگام عبور از کربلا به مصیبت حسین علیه السلام اشاره کرده و همراه با حواریون خود، بر مصائب او گریسته است. (همان: ۲۱۳) پیامبر خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) نیز بارها به حوادث خونبار کربلا، اشاره کرده و همرا با فاطمه زهرا (س) برای فرزند عزیز خود، اشک ریخته‌اند.

نخستین مرثیه‌سرایان سیدالشهداء علیه السلام پس از واقعه‌ی کربلا

پس از واقعه‌ی عاشورا، نخستین مرثیه‌سرایان سید الشهداء علیهم السلام و یارانش، فزندش امام زین العابدین (ع) و خواهر بزرگوارش زینب کبرا (س) و دختران امام (ع) (ام کلثوم و فاطمه‌ی صغرا) و همسرش ربّاب بوده‌اند که در کربلا، کوفه و شام، با مرثیه‌سراهایی هدفمند خود، راه سالار شهیدان را ادامه دادند (ابوالحسنی، ۱۳۷۵: ۲۱۵).

اما در مدینه، نخستین مرثیه‌سرا پس از شهادت امام حسین علیه السلام، ام سلمه، همسر بزرگوار پیامبر (ص) بود. یعقوبی در این باره می‌نویسد: نخستین ضجّه‌زننده‌ای که در مدینه، ضجّه‌اش [بر حسین علیه السلام] بلند شد، امّ سلمه، همسر پیامبر خدا (ص) بود. پیامبر خدا (ص)، شیشه‌ای را که در آن، خاکی قرار داشت، به ام سلمه داده و به او فرموده بود که:

إذا صارت دماً عبيطاً فاعلمي أنّ الحسين قد قُتِل؛

هرگاه این خاک، تبدیل به خون تازه شود، حسین علیه کشته شده است. روز عاشورای سال ۶۱ هجری، آن خاک، تبدیل به خون تازه شد، ام سلمه نیز با دیدن آن، فریاد کشید: وا حسینا! وای از مصیبت پسر پیامبر خدا!

شیون و زاری و مرثیه‌سرایی ام سلمه برای امام حسین علیه السلام به گونه‌ای بود که به دنبال آن، مدینه، یکپارچه عزا شد: و زنان، شیون کردند تا این که در مدینه، چنان ولوله‌ای برپا شد که تا آن زمان شنیده نشده بود. سال ۶۱ هجری، سال حُزن نامیده شد و بر پایه‌ی گزارش دعائم الاسلام از امام صادق علیه السلام پس از واقعه‌ی عاشورا، سه سال تمام بر امام حسین علیه السلام

مرثیه‌سرای می‌شده‌مچنین طبق گزارشی دیگر از ایشان، تا به هلاکت رسیدن ابن زیاد، خانواده امام علیه السلام از عزا بیرون نیامدند:

هیچ یک از زنان ما خضاب نکرد و روغنی استفاده نکرد و سرمه نکشید و [مویش را] شانه نزد تا این که سر عبیدالله بن زیاد را برایمان آوردند. ما همواره، پس از آن ماجرا، گریان بودیم (خوارزمی؛ ج ۲: ۴۰). نخستین کسانی که در عزای امام حسین علیه السلام لباس سیاه پوشیدند: ام سلمه، همسر پیامبر (ص) و زنان بنی‌هاشم بودند. این اقدام، ریشه در سنت نبوی داشت و نشان می‌دهد که لباس سیاه، از زمان‌های گذشته، علامت عزا بوده است. حتی ابومسلم هم در آغاز قیام خود، برای استفاده‌ی تبلیغاتی علیه حکومت بنی امیه، لباس سیاه را انتخاب کرد، به وری که او و یارانش، در تاریخ به «سیاه جامگان» شهرت یافتند. آنها می‌گفتند: این لباس سیاه [در] عزای خاندان محمد (ص) و شهیدان کربلا و ید و یحیی است. در زمان معاصر نیز در میان پیروان اهل بیت علیه السلام، لباس سیاه، نشانه‌ی عزاداری است (ابوالحسنی، ۱۳۷۵: ۲۱۷).

تأکید بر زنده نگه داشتن یاد امام حسین علیه السلام

روایات فصل دوم از این بخش، بر تداوم یاد سید الشهداء علیه السلام تأکید دارند. در روایتی از امام صادق علیه السلام، آمده است: هنگام یاد کردن از امام حسین علیه السلام سه بار بگو: صلی الله علیک یا ابا عبدالله: درود خدا بر تو، ای اباعبدالله، که این سلام، از نزدیک و دور، به او خواهد رسید. همچنین، یاد کردن از آن بزرگوار در هنگام نوشیدن آب، توصیه شده است: و ما من عبد شرب الماء فذكر الحسين عليه السلام و أهل بيته و لعن قاتله، إلا كتب الله له مئة ألف حسنة، و حط عنه مئة ألف سيئة و رفع له مئة ألف درجة (مرکز مطالعات راهبردی خیمه، ۱۳۸۸: ۳۱۸).

هیچ کس نیست که آب بنوشد و از حسین علیه السلام و خاندانش یاد کند و بر کشنده‌اش، لعنت بفرستد، مگر این که خداوند، برایش صد هزار حسنه می‌نویسد و صد هزار گناه را از او می‌زداید و صد هزار درجه بر او می‌افزاید. با عنایت به نیاز مکرر انسان در شبانه روز به نوشیدن آب، توصیه به فرستادن سلام بر امام حسین (ع) و لعن بر قاتلانش هنگام نوشیدن بدین معناست که پیروان اهل بیت علیه السلام، هیچ‌گاه نباید ماجرای کربلا را فراموش کنند، و خاطره‌ی مبارزه

با ظلم و ظالم و شهادت جان‌گداز سلاله‌ی پاک پیامبر خدا (ص) در این راه، برای همیشه، باید در تاریخ، زنده بماند.

تأکید بر تداوم عزاداری

تأمل در توصیه‌ی اهل بیت علیه‌السلام برپا داشتن مجالس عزا برای شهدای کربلا و زنده نگاه داشتن خاطره‌ی عاشورا تشویق آنان به سرودن شعر درباره‌ی این فاجعه‌ی بزرگ تاریخ اسلام، بشارت به پادشاه‌های بزرگ در گریستن بر این مصیبت بزرگ و گریاندن دیگران، تأکید بر اهمیت عزاداری در دهه‌ی اول محرم، خصوصاً در روز عاشورا— به روشنی بیانگر این حقیقت است که عزاداری برای سید الشهداء علیه‌السلام و یارانش، هدف بزرگی را دنبال می‌کند که تا آن هدف، تحقق نیافته است، سنت عزاداری در میان پیروان اهل بیت علیه‌السلام باید تداوم یابد (ری شهری، ۱۳۸۸: ۳۳۴).

استحباب سیاهپوشی (در سوگ سالار شهیدان) در فتاوی علمای

جمع کثیری از علمای اعلام و فقهای عظام شیعه، پوشیدن لباس سیاه و عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام را نه تنها «مباح» بلکه «مستحب» شمرده‌اند و بعضاً این نظر را با عمل و کردار خویش نشان داده‌اند.

فقهای زر به طور مکتوب (در قالب فتوای صریح یا وصیت و سفارش، به گونه‌ی آشکار یا به اشاره و تلویح و تقریر، به نثر یا به نظم) سیاهپوشی در عزای ابی عبدالله (ع) را تأیید کرده‌اند:

۱. علامه رضی الدین سید بن طاووس (متوفی سال ۶۶۴ ق) در مقدمه کتاب لهوف و نیز کتاب اقبال و کشف المحجّه عبارات مرحوم سید قبلاً در پایان فصل یکم گذشت.
۲. علامه شیخ فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵) در منتخب، عبارات وی نیز قبلاً در پایان فصل یکم گذشت. (ری شهری، ۱۳۸۸: ۳۳۵)

۳. مرجع بزرگوار شیخ یوسف بحرانی معروف به محدث و محقق بحرانی (م ۱۱۸۶) در حدائق.

مرحوم بحرانی، پس از نقل روایات دال بر کراهت پوشیدن لباس سیاه در نماز و غیر آن، می‌نویسد: اقول: لایعد استثناء لیس السواد فی مآتم الحسین علیه السلام من هذه الأخبار لما استفاضت به الأخبار من الأمر باظهار شعائر الأحران علیه و يؤیده ما رواه شیخنا المجلسی (ره) عن البرقی فی کتاب المحاسن أنه روی عن عمر بن زین العابدین علیه السلام ... (ایروانی، ۱۳۷۹ ق) (۱۱۸/۷)

۴. آیه الله سید محمدجواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه (م ۱۲۲۶) فقیه برجسته‌ی عصر فتح‌لعیاشاه که آرای فقهی وی مورد بحث فقیهان بوده و هست، در شعری که قبلاً در فصل پنجم به مناسبت بحث «حداد» گذشت، می‌گوید: نور خدا (امام حسین علیه السلام) رخ در نقاب خاک برده و ضروری است که جهان جامه‌ی حداد پوشد:

فلتلبس الدنيا ثياب حدادها فالنور - نور الله - غیب فی التری

۵. علامه شیخ خضر عفاکوی (متوفی ۱۲۵۵ ق) در «ابواب الجنان و بشائر الرضوان»:

شیخ خضر بن شلال عفاکوی نجفی از شاگردان برجسته‌ی سید بحر العلوم و کاشف الغطاء است که از اصحاب سرّ مرحوم سید و شاگردان مجاز به اجتهاد کاشف الغطاء بوده است علما و تراجم نگاران بزرگ شیعه (نظیر شیخ علی آل کاشف الغطاء در الحصون المنیعه، سید حسن صدر در تکمله، محدث نوری در دارالسلام، و شیخ آقا بزرگ در الکرام البرره) وی را به صفت تبخّر در فقه و حسن شهرت به زهد و تقوی و کشف و کرامت ستوده‌اند. فی المثل، مرحوم نوری در دارالسلام از وی این چنین یاد می‌کند: «شیخ محقق جلیل و عالم مدقق نبیل، صاحب کرامات باهره، از رجال برجسته و علمای ربّانی شیعه بود و در عداد کسانی قرار داشته است که ضرب المثل زهد و تقوی و استجابت دعایند ...» (بزرگ تهرانی ۱۲۴۰ ق، ۲/۴۹۴).

مرحوم عفاکوی در فصل ششم، قسمت چهارم از کتاب ابواب الجنان چنین می‌نویسد:

«آنچه شکی در آن نیست و روایات و اخبار بسیار و روش بزرگان در گذشته دلالت بر آن دارد، استحباب بر سر و سینه زدن و لباس سیاه پوشیدن و اظهار حزن و اندوه نمودن در مصیبت (سید الشهداء علیه السلام) است ...».

۶. آخوند ملا آقا شیروانی مشهور به فاضل دربندی (متوفی ۱۲۸۵ یا ۶) در «اکسیر العبادات فی

اسرار الشهادات» معروف به «اسرار الشهاده».

۷. علامه شیخ محمدحسین کاظمینی معروف به محقق کاظمی (متوفی ۱۳۰۸ ق) در هدایة الأنام فی شرح شرایع الإسلام.

وی می نویسد: و فیاستثناء لبسه فی مأتم الحسین علیه السلام و نحوه وجه غیر بعید كما فی حدائق لما دل علی اظهار شعائر الحزن علیه علیه السلام و لما روی من لبس نساء بنی هاشم السواد و لم یغیرنھا فی حرّ او برد و کان زین العابدین علیه السلام یصنع هنّ الطعام فی المأتم و لم ینکره علیه السلام علیهن ...

۸. مرجع عالیقدر شیخ زین العابدین مازندرانی حائری (متوفی ۱۳۰۹) در رساله‌ی ذخیره المعاد. در صفحه ۵۳۹ رساله‌ی ذخیره المعاد مرحوم مازندرانی - که سه تن از مراجع بزرگ شیعه (میرزای شیرازی اول، صاحب عروه، و آقا سید اسماعیل صدر) بر آن حاشیه دارند - چنین می‌خوانیم:

سؤال: ماتم کردن در مجالس عزا در غم امام حسین علیه السلام و دیگر معصومین یعنی دست بر سینه زدن، و همچنین دست بر سر و روی زدن و جامه‌ی سیاه و تیلیه [= کبود] و سبز پوشیدن - سواى عمامه و عبا - در غم و عزای امام حسین علیه السلام شرعاً جایز است یا نه؟ و اگر جایز نیست کسانی که همچو عمل می‌کنند عاصی می‌شوند یا نه؟ جواب: ضرر ندارد و معصیت نیست، بلکه مستحب است.

از مراجع سه‌گانه‌ی مزبور، میرزا صاحب عروه هیچ یک بر پاسخ مرحوم مازندرانی حاشیه‌ای نروده و آن را پذیرفته‌اند. و مرحوم صدر، با حاشیه‌ی زیر، صریحاً به تأیید آن نیز پرداخته است: گذشت که در خبر است که: علی مثل الحسین علیه السلام فلتلطم الخدود و تشق الجيوب (صدر).

۹. مرجع عالیقدر میرزای شیرازی اول (متوفی ۱۳۱۲)، که فتوای مرحوم حاج شیخ زین العابدین مازندرانی در رساله‌ی ذخیره المعاد را امضاء کرده است.

۱۰. علامه میرزا ابوالفضل تهرانی (متوفی ۱۳۱۷) در شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور: «و لبس جامه‌ی سیاه و سیاهپوشی خانه‌ها، از بابت قیام به وظیفه‌ی عزاداری است و تعظیم شعار و احیای امر ائمه؛ و ادله‌ی کراهت لبس ثياب سود - با اینکه در بعض آنها اشعار به ترک سنت بنی‌عباس است که شعار خود را سواد کرده بودند - حکم واقع‌ی فی نفسه، و لو المعارض، با ملاحظه‌ی طریان عنوان عزاداری و مساعدت عرف این زمان بر اختیار سیاه برای عزا سخن داریم.

لهذا، جماعتی از فقها مثل صاحب جواهر و غیره فتوا داده‌اند در باب حداد - که بر معتده‌ی به

عده‌ی وفات واجب است، و لازم او ترک تزئین است به ملابیس مصبوغه - که این، به حسب عادات مختلف می‌شود، وظیفه آن است که او لباس عزا بپوشد، خواه سیاه باشد یا غیر او ... و چون در این عهد، لباس سیاه جامه‌ی معزی است پس پوشیدن جامه‌ی سیاه مستحب است نظر به عمومات باب ...

۱۱. شمس العلماء سید محمدحسین نصیر آبادی لکهنوی ملقب به بحر العلوم (متوفی ۱۳۲۵) که رساله‌ای در عدم کراهت سیاه‌پوشی در ماتم حسین علیه السلام دارد.

۱۲. مرجع عالیقدر حاج شید محمد علی غروی نخجوانی (متوفی ۱۳۳۴) در الدعاء الحسینیه. در این کتاب - که شامل سؤال و جوابهای متعددی در باب اسرار شهادت حضرت سیدالشهداء، ثواب عزاداری بر آن حضرت، و حکم شرعی انواع عزاداریهای مرسوم در بین شیعیان می‌باشد - از مرحوم نخجوانی سؤال شده است که:

جعلت فداک، جامه‌ی سیاه و نیلی و سبز پوشیدن سوای عمامه و عبا در غم و عزای حضرت سید الشهداء علیه السلام و سایر حضرات معصومین علیه السلام مکروه است یا نه؟ و موجب قلت ثواب عبادت می‌شود یا نه؟

و ایشان در پاسخ، با اشاره به حدیث کامل الزیارة (الا یا اهل البحار البسوا اثواب الحزن فأن فرخ رسول الله (ص) مذبوح) و نیز حدیث محاسن برقی (سیاهپوشی هاشمیات در سوگ امام حسین علیه السلام) آورده‌اند که:

پس تمام انبیاء علیهم السلام و اولیاء و اوصیاء و حضرت فاطمه‌ی زهرا و پدر و شوهر و اولاد او (سلام الله علیهم) و قبور شریفه‌ی ایشان و بیت و مقام و زمزم و مشعر الحرام سیاهپوش و اظهار تعزیه داری بر حضرت امام حسین علیه السلام داخل شد، لباس یا غیر لباس، مکروه نمی‌باشد بلکه مستحب مؤکد و موجب کثرت ثواب عبادت است.

۱۳. مرجع عالیقدر آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه (متوفی ۱۳۳۷) در آخر رساله‌ی منهج الرشاد (نوشته‌ی مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری) و نیز در پاسخ به اسفتای سید حسین عابد هندی از حکم شرعی سیاهپوشی در ماتم سالار شهیدان علیه السلام.

در آخر رساله‌ی منهج الرشاد، اسئله و اجوبه‌ای از مرحوم صاحب عروه آمده است که در ص ۱۲ آن چنین می‌خوانیم:

«لباس سیاه پوشیدن در ماه محرم به قصد اظهار حزن و عزاداری، بعید نیست راجح باشد، چون تحزن در آن ایام راجح است و به لباس سیاه محقق می‌شود؛ و بنابراین ممکن است دعوای انصراف در ادله‌ی داله بر کراهت پوشیدن لباس سیاه ماعدای مستثنیات. با اینکه از بعضی اخبار خاصه نیز مستفاد می‌شود (چنانچه) در بعضی روایات است که اهل بیت علیهما السلام سیاهپوش بودند» (ری شهری، ۱۳۸۸: ۳۴۳)

نتیجه

عزاداری، مرثیه‌سرایی و سوگواری از دیرباز در میان ملت‌های مختلف جهان معمول بوده است و بخشی از ادبیات، فرهنگ، آداب و رسوم همه اقوام را به خود اختصاص می‌دهد. سوگواری‌ها به دلیل تعدد و تنوع فرهنگ‌ها، ادیان و باورهای مذهبی و ملی، شکل‌های متنوع و متفاوتی دارند، اما حقیقت همه آنها یکی است. سوگواری عبارت است از ابراز اندوه و حزن درونی، در پی حادثه‌ای ناگوار با از دست دادن شخصی عزیز و ارزشمند. حزن و اندوه که برگرفته از عاطفه انسانی و احساسات درونی است با گریه، مرثیه‌سرایی، سیاه‌پوشی و برپایی مجالس تعزیه و ختم ابراز می‌گردد. این موضوع، از مسائل مهم اجتماعی است و اختصاص به جوامع سنتی، دینی و شرقی ندارد و حتی در جوامع مادی‌گرای غرب، گریه و سوگواری بر شخص متوفی، امری طبیعی محسوب می‌شود.

تبلیغاتی که امروزه در جوامع مسلمان به وسیله وهابیت و در جوامع غربی به وسیله گروه‌هایی چون شیطان‌پرستان انجام می‌شود، در پی از میان بردن احساسات و عواطف است. نخستین مسئله در برخورد با مصائب، واکنش شخصی افراد است که بر گرفته از عواطف و احساسات آنها است. این مسئله در زندگی معصومان علیه السلام دیده می‌شود. واکنش‌های ایشان در مصائب و با وجود شخصی بودن بر تعالیم اسلامی و رضایت الهی تکیه دارند و در بردارنده درس‌های آموزنده‌ای هستند. گریستن، ترک زینت و برداشتن عبا و سیاه‌پوشی از روی دوش از مهمترین رفتارهای

فردی هستند. عزاداری و برپایی مجالس به پاس تعظیم و احترام فرد یا گروهی است، که در قالب مداحی سخنرانی، سینه‌زنی و غیره انجام می‌شود. همچنین به دلیل نقش سازنده فردی و اجتماعی و فرهنگی آن، جایگاه ویژه‌ای در مکتب اسلام و سیره اهل بیت دارد.

عزاداری، در حقیقت اظهار محبت به خاندان رسول خداست که خداوند مودت آن‌ها را واجب کرده و یکی از بزرگ‌ترین مصادیق تعظیم شعائر الهی و نشانه تقوای دل‌هاست.

بنابراین، مراسم عزاداری از دیدگاه دینی ارتباط محکمی با عزت نفس دارد و به عبارت دیگر، زمینه‌های عزت نفس را در افراد پدید می‌آورد؛ چراکه هر کس می‌تواند عزت نفسش را به میزان ارزشی که برای خود قائل است، ارتقا دهد. در متون دینی، از این موضوع با عناوینی چون عزت نفس، کرامت نفس، مردانگی و آزادگی یاد شده است. از دیدگاه دین، مؤمن عزت و احترام خاصی دارد؛ (ولله العزه ورسوله وللمؤمنین.... (منافقون:۸). یعنی افزون بر عزت نفس باید مؤمنان دیگر را نیز عزیز بداریم. در روایات آمده است که حرمت نفس مؤمن، از حرمت مقدساتی چون کعبه نیز بیشتر است و تحقیر وی هرگز بخشودنی نیست. شهید اول در کتاب «قواعد» می‌نویسد: بزرگداشت مؤمن مطابق عادات و رسوم روز اشکالی ندارد؛ هرچند از نحوه رفتار گذشتگان چیزی نقل نشده باشد و دلیل آن، عمومیت آیات و روایات است. خداوند متعال می‌فرماید: آری، هرکس شعائر خدا را بزرگ شمارد، این از پاکی دل‌هاست.

مباحث ارایه شده نشان می‌دهد که انجام امور نامتعارف از قبیل لطمه زدن (زدن به سر، صورت، سینه و سایر مواضع بدن) خراشیدن بدن، کندن مو در عزاداری بر میّت جایز نیست. گریبان چاک‌زدن نیز جز در برخی موارد جایز نمی‌باشد. درباره عزاداری اهل بیت (ع) گرچه اختلاف نظر وجود درد ولی روایات مشتمل بر عنوان جزع، لطم و شق، هم از نظر سند و هم از نظر دلالت تمام هستند که طبق مقتضای آنها، زدن به سر، صورت، سینه و مانند آن به نحوی که اکنون در عزاداری اهل بیت (ع) معمول است. جایز می‌باشد البته به شرط آنکه خیلی شدید نباشد که ضرر قابل توجهی بر بدن وارد سازد. قمه‌زنی و زنجیر تیغ‌دار، نه تنها در نصوص وارد نشده و مشمول عمومات و اطلاعات ادله نمی‌باشند، بلکه از باب اضرار به نفس، هتک حرمت عزاداران و

رهن مذهب، حرام می‌باشند. زنجیر معمولی نیز در نصوص وارد نشده و شمول ادله‌ی جواز نسبت به آن، جای تردید دارد. یکی از مسائل مهمی که امروزه در عرصه فقه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، سوءال از حرکت‌های نامتعارف در عزاداری حضرت سید الشهداء(ع) است. باور بسیاری بر آن است که هر عملی که به قصد عزاداری صورت گیرد، شرعیت لازم را دارد و عزاداری امام حسین(ع) از همه حرمت‌ها استثناء می‌باشد. از این رو، طبق این باور قمه زنی و برخی اعمال نامتعارف مانند لطمه زدن به صورت فی حد نفسه و ماورای شرایط موجود جامعه حلال است. به عبارتی حکم اولیه آن حلیت است و اگر برخی از مراجع آن را تحریم کرده‌اند، صرفاً به جهت شرایط خاص سیاسی دنیای اسلام است.

منابع و مأخذ

۱. ابوالحسنی، علی سیاهپوشی در سوگ ائمه نور علیهم السلام، صاحب اثر، قم. ۱۳۷۵.
۲. اصغری همدانی، علی سیره ی چهارده معصوم، کشف الغطاء، قم . ۱۳۹۰.
۳. اکبرنژاد، محمدتقی، مجله فقه اهل بیت، ش ۴۸، زمستان ۱۳۸۵.
۴. اکبری، محمودره توشه زیارت، نشر شهاب الدین، چاپ دوم . ۱۳۸۴
۵. خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الإستفتائات، تهران: انتشارات الهدی، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
۶. دفتر فرهنگی فخرالائمه (ع)، دست پنهان، قم، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، ۱۳۸۶.
۷. رکنی یزدی، محمد مهدی، شوق دیدار مباحثی پیرامون زیارت، بنیاد پژوهش های اسلامی. ۱۳۸۱.
۸. روشندل، محمدباقر شهدای کربلا (شرح کامل ویژگی ها)./ سازمان عقیدتی سیاسی ارتش. ۱۳۷۹.
۹. ری شهری، محمددانشنامه امام حسین (ع) جلد نهم، پژوهشکده ی علوم و معارف حدیث. ۱۳۸۸.
۱۰. شهرستانی، سید صالح عزاداری حسین علیه السلام از زمان آدم تا زمان ما، انتشارات حسینیّه عمادزاده. (بی تا)